

Western-Islamic Civilizational Conflict: Reflection on the Role of Islamic Discourse in the Outcome of this Conflict

Sajjad chitforoush *

Received on: 26/09/2023

Raouf nosratian **

Accepted on: 21/01/2024

Abstract

Purpose: Humanity has traversed a long and eventful history filled with interactions and conflicts. Alongside all its hardships and opportunities for human society, this long history has also laid the groundwork for the formation of human civilizations. Focusing on the current civilizational conflict between west and Islam, this paper aims to study some of the most significant contemporary Islamic events that have placed Western civilization in a position of weakness and reaction, following a brief overview of the history of the clash of civilizations between the West and Islam. The Iranian Islamic Revolution, as well as the Arbaeen pilgrimage and the civilizational opportunities present therein, are topics that have been examined through this approach. The primary question of this research is to identify the focal point around which the Islamic front should rally its discourse to achieve victory in this mentioned clash of civilizations.

Methodology: The authors' methodology in this research is historical analysis. By scrutinizing a historical period of civilizational conflict between the West and Islam up to the present day, and mentioning two examples of the Iranian Islamic Revolution and the Arbaeen pilgrimage, they have elucidated the significance of Islamic discourse in such a clash.

Findings: Some of the most notable findings include:

* Assistant professor of history of the Islamic revolution, Imam Hussein university. Tehran. Iran. (Corresponding Author).

Sajjadchitfroush65@yahoo.com

 0000-0002-6619-8289

** Ph.D in comparative religions and mysticism, faculty of law, theology and political scienc, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Ra.nosratian@gmail.com

 0409-2796-0006-0009



1. The Iranian Islamic Revolution can be regarded as a highly successful example of the functional role of religion and religious discourse in the contemporary world.
2. From the perspective of the founder and leader of the Iranian Islamic Revolution, its victory marks the commencement of Islam's return to its rightful place in civilization.
3. The project of Islamophobia serves as a crucial strategy for adversaries to counter Islam and Islamic civilization.
4. It can be argued that the Arbaeen pilgrimage over the past decade has played a complementary role to the Iranian Islamic Revolution, nullifying some of the most significant schemes of the enemy to defeat the Islamic front. The Islamic Revolution in Iran introduced the notion of a global mission to propagate Islam and establish Islamic civilization and it appears that the role of Arbaeen is to advance this idea further and overcome obstacles in its path.
5. It is believed that the most effective way for the Islamic front to confront its civilizational rivals is to encourage people to contemplate the teachings of Islam and to elucidate and introduce them to the world, which constitutes an operational strategy for confronting Western civilization. Such a notion, which determines both the method and content of confrontation, is the linchpin for victory in such a clash.
6. The decision-makers of the Islamic front have not paid enough attention to their fundamental and vital principle, namely the innate and salvational teachings of Islam, in their civilizational confrontation with Western civilization.

Conclusion: The future of this civilizational clash, will be synonymous with the triumph of the Islamic front if it directs all its efforts towards strengthening its most crucial civilizational element, which is none other than the religion of Islam, and shapes the front of the devout and the free in the world. The key to progress lies in exploring and recognizing the inherent potentials within Islam and entrusting them to construct a model for a global civilization. The success of the Iranian Islamic Revolution signifies a step towards the resurgence of Islamic civilization in an era characterized by the decline of Islamic civilization and the complete dominance of Western civilization. Additionally, recent events like the Arbaeen pilgrimage represent the actualization of another immense potential hidden within the essence of Islam, which, if understood truly, has the potential to pose a serious challenge to Western civilization, thereby providing evidence in support of this claim.

Keyword: Islamic civilization, Western civilization, Islamic Revolution, Arbaeen pilgrimage, Islamophobia.

تنازع تمدنی غرب و اسلام؛ تأملی بر نقش گفتمان اسلامی در فرجام این تنازع

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۰۴

سجاد چیت فروش *

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۰۱

رئوف نصر تیان **

چکیده

بشریت در طول حیات خود، تاریخ طولانی و پر حادثه‌ای از تعامل و نزاع را پشت سر گذاشته است. این تاریخ طولانی در کنار همه‌ی سختی‌ها و آسانی‌هایی که برای جامعه انسانی در پی داشته، زمینه‌ساز تشکیل تمدن‌های بشری نیز شده است. در این نوشتار با تمرکز بر تنازع تمدنی موجود میان غرب و اسلام، پس از بیان تاریخچه‌ای در باب این تنازع، تلاش شده برخی از مهم‌ترین رویدادهای اسلامی معاصر که تمدن غربی را در موضع ضعف و انفعال قرار داده است مطالعه شود. انقلاب اسلامی ایران و نیز اربعین حسینی و فرصت‌های تمدنی موجود در آن، موضوعاتی هستند که از این رهگذر و با روش تحلیل تاریخی بررسی شده‌اند. پژوهش حاضر مترصد پاسخ‌گویی به این پرسش اصلی است که در نزاع تمدنی مذکور، جبهه اسلامی برای پیروزی بر جبهه باطل باید چه نقطه‌ای را به‌منزله مرکز ثقل گفتمان خود انتخاب کند؟ فرض بر این است که آینده‌ی این نزاع تمدنی به شرطی با پیروزی جبهه اسلامی همراه خواهد بود که این جبهه تمام تلاش خود را در زمینه تقویت و گسترش هرچه بیشتر مهم‌ترین عنصر تمدنی خود که همان دین اسلام است مبذول دارد و جبهه دین‌داران و آزادگان را در عالم شکل دهد. آنچه در این مسیر راهگشا است کشف و شناخت ظرفیت‌های موجود در دین اسلام و اعتماد بر آنها برای ساختن یک الگوی تمدن جهانی است. پیروزی انقلاب اسلامی ایران، به‌منزله‌ی حرکتی به‌منظور بازگشت به اوج تمدنی اسلام در روزگار افول تمدن اسلامی و غلبه‌ی کامل تمدن غربی و نیز اربعین حسینی در سال‌های اخیر، به‌منزله‌ی فعلیت یافتن یکی دیگر از ظرفیت‌های عظیم نهفته در دل دین اسلام که درک حقیقت آن می‌تواند تمدن غربی را با چالش جدی مواجه کند، گواهی بر این مدعا است.

کلمات کلیدی: تمدن اسلامی، تمدن غرب، انقلاب اسلامی، پیاده‌روی اربعین، اسلام‌هراسی.

* استادیار گروه تاریخ انقلاب اسلامی، دانشگاه جامع امام حسین (ع)، تهران، ایران. (نویسنده مسئول).

ID 0000-0002-6619-8289

sajjadchitfroush65@yahoo.com

** دکتری ادیان و عرفان تطبیقی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه

آزاد اسلامی، تهران، ایران.

ID 0009-0006-2796-0409

Ra.nosratian@gmail.com



بیان مسئله

بر اساس تعالیم اسلامی نزاع میان حق و باطل همواره در عالم جریان دارد و انسان مسلمان نمی‌تواند نسبت به این نزاع بی‌تفاوت باشد. انسان مسلمان تکلیف دارد تا حق و باطل و جبهه و جنودشان را بشناسد و تمام تلاش خود را برای حرکت در جهت تقویت جبهه حق انجام دهد؛ چراکه چنین حرکتی فلسفه وجودی او را شکل می‌دهد. براین اساس هرگونه تلاشی که جبهه حق را قوی و جبهه باطل را تضعیف کند، مصداق جهاد و عمل صالح است و زمینه‌ای را برای رشد و تعالی انسان و رسیدن به قرب الهی فراهم می‌کند.

در جهان امروز نزاع میان حق و باطل در یک گستره جهانی و در قالب یک نزاع تمدنی میان تمدن اسلامی و تمدن غربی در جریان است. جبهه حق به‌رغم اقلیت و فقر فناوری و ابزار، اما با قدرت ایمان و فداکاری شهیدان و مجاهدان توانسته است در مقابل هجوم ترکیبی و همه‌جانبه‌ی غرب ایستادگی کند و در مواردی حتی این فرهنگ را به چالش بکشد و شکست‌هایی را بر آن تحمیل کند. اندیشیدن درباره این‌که چگونه می‌توان پیروزی‌ها را استمرار بخشید و شکست‌ها و تلفات را کاهش داد می‌تواند مهم‌ترین وظیفه‌ی اندیشمندانی باشد که دغدغه‌ی تمدن‌سازی دارند.

یک پرسش مهم در این زمینه آن است که در تاریخ نزاع تمدنی میان تمدن اسلامی و تمدن غربی، چه عناصری تأثیرگذار و تعیین‌کننده بوده‌اند؟ پاسخ به این پرسش کمک می‌کند که در روزگار کنونی نیز طرح درست و مناسبی برای مقابله انتخاب شود و به این پرسش مهم‌تر پاسخ داده شود که در این میان، تأکید اصلی جبهه اسلامی باید بر چه عناصر و نقاطی معطوف شود. این همان مسئله‌ای است که نوشتار حاضر به آن پرداخته و پس از مرور کوتاهی بر تاریخ روابط میان غرب و اسلام، از گذشته‌های دور تا روزگار کنونی، سعی کرده است برای آن پاسخی بیابد. این پاسخ کمک می‌کند که جبهه اسلامی در مواجهه با جبهه مقابل، نسبت به ظرفیت‌های درونی جبهه خودی غفلت نکند و بر مبنای آنها برای خود راهبرد مبارزه و مقابله تعریف کند. به‌عنوان نمونه درک این موضوع که رویداد عظیم اربعین، چه اهمیتی دارد و با تبدیل شدن به یکی از نمودهای جهانی دین اسلام، چه نقشی را می‌تواند در حرکت به سمت تمدن نوین اسلامی و تصویرسازی از آن در ذهن مخاطبان جهانی ایجاد کند، به ما کمک خواهد کرد تا به نقش و ظرفیت گفتمان دینی اسلام برای حرکت به سمت تمدن اسلامی پی ببریم. از سویی از آنجاکه این نقاط برجسته، از متن

فرهنگ ریشه‌دار دینی و مذهبی جوامع اسلامی استخراج شده است، در صورتی که در نظام‌های جهانی آینده، انتقال قدرتی در جهان حاصل شود این طرح به دلیل ابتدا بر فرهنگ درونی جوامع اسلامی نه تنها تغییر نخواهد کرد بلکه فرصت فراخ‌تری برای بسط تمدنی خود پیدا می‌کند.

۱. پیشینه پژوهش

پیش از نگارش پژوهش حاضر، اندیشمندان زیادی در زمینه تنازع تمدنی میان اسلام و غرب و نقش و جایگاه انقلاب اسلامی و یا رویداد عظیم اربعین حسینی اندیشیده و مطلب نوشته‌اند که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود. عابدینی و همکاران (۱۴۰۱) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل تمدنی جریان اربعین، فرصت‌ها و چالش‌ها» از نظرگاهی تمدنی به رویداد عظیم اربعین نگریسته است و بر این اساس، مهم‌ترین ویژگی آن را ارتباط داشتن با دوران ظهور به‌عنوان نقطه اوج تمدن اسلامی بیان کرده و فرصت‌ها و چالش‌های موجود در این مسیر را تبیین کرده است. افتخاری (۱۳۹۸) نیز در مقاله‌ی «نقش پیاده‌روی اربعین در تحقق تمدن نوین اسلامی با تأکید بر فرمایشات مقام معظم رهبری»، پس از احصای ویژگی‌های تمدن اسلامی، تلاش کرده است با بهره‌گیری از سخنان رهبر انقلاب این موارد را با ویژگی‌ها و ظرفیت‌های پیاده‌روی اربعین انطباق دهد تا اهمیت این رویداد را در رسیدن به تمدن نوین اسلامی نمایان سازد. در نمونه دیگری تاج‌بخش و عباس‌پور (۱۴۰۱) در مقاله‌ی «بازاندیشی در ایجاد تمدن نوین اسلامی از طریق فراترکیب پژوهش‌های پیاده‌روی اربعین» در پی یافتن پاسخی به این پرسش هستند که مؤلفه‌های جامعه‌شناختی پیاده‌روی اربعین در مقالات منتشرشده در موضوع تحقق تمدن نوین اسلامی، کدام‌اند؟ مدنی (۱۴۰۱) در مقاله‌ی «هژمونی تمدنی غرب و ظرفیت‌های گفتمان انقلاب اسلامی برای جهان اسلام» بر این نکته تأکید دارد که گفتمان انقلاب اسلامی به دلیل داشتن مؤلفه‌هایی همچون معنویت، آزادی‌خواهی و عدالت، الگوی مناسبی برای رهایی جهان اسلام از هژمونی تمدنی غرب ایجاد می‌کند. این مقاله بر این باور است که گفتمان انقلاب اسلامی ایران به‌منزله‌ی یک مدل عینی، امکان الهام‌بخش بودن برای جهان اسلام را دارد. نرمانی و همکاران (۱۴۰۰) نیز در مقاله‌ای با عنوان «نقد تمدن نوین غرب از منظر گفتمان انقلاب اسلامی با تأکید بر آراء حضرت آیت‌الله خامنه‌ای» در پی آن است تا به هدف نقد تمدن نوین غربی، رویکرد منبعث از گفتمان انقلاب اسلامی با توجه به آراء رهبر انقلاب اسلامی را بررسی نماید و مهم‌ترین انتقادات که از

نظر ایشان به تمدن غربی وارد است را احصا کند.

درعین‌حالی که پژوهش حاضر همچون تحقیقات مذکور و نظایر آنها، از تنازع تمدنی میان اسلام و غرب سخن گفته است؛ اما وجه تمایز آن با این پژوهش‌ها در آن است که با بررسی مهم‌ترین بازه‌های تاریخی این تنازع، جایگاه رویدادهایی همچون انقلاب اسلامی و گردهمایی عظیم اربعین را، به‌منزله‌ی دو نمونه تحقق‌یافته بر مبنای گفت‌مان اسلام، در این تاریخ جستجو کرده است و نقش تکمیل‌کننده‌ی آنها را در حرکت به سمت تمدن نوین اسلامی نشان داده است.

۲. چارچوب مفهومی و روش پژوهش

مورخ سرشناس انگلیسی آرنولد توین بی در اواخر جنگ دوم جهانی گفته بود که در تاریخ بشر، مجموعاً حدود پانزده نوع تمدن به وجود آمده و بسیاری از این تمدن‌ها از بین رفته‌اند و تمدن غربی کنونی یکه‌تاز جامعه بشری شده است. اما وقتی درباره تمدن اسلامی سخن می‌گوید بر این باور است که این تمدن از بین نرفته است، بلکه اعتقاد دارد جریان‌ات اسلامی همچنان زنده هستند و تلاش می‌کنند تا اوج تمدنی خود را بازیابند (ر.ک. توین بی، ۱۳۵۳). در واقع توین بی هم از زنده‌بودن تمدن اسلامی سخن می‌گوید؛ هم بر این باور است که تمدن غربی، تمدن برتر آن روزگار، برای بقای تمدنی خودش باید ترتیبی بدهد که تمدن اسلامی در همین حالت رخوت و انزوا باقی بماند. چراکه اگر از این حالت خارج شود، با حرکت در جهت ساخت یک تمدن اسلامی، روزگار سختی از تقابل را برای تمدن غربی خواهد ساخت. اسلام‌هراسی مهم‌ترین ابزاری است که غرب برای رسیدن به این هدف استفاده می‌کند و در دهه‌های اخیر با تشکیل، حمایت و تجهیز گروه‌های تروریستی در جهان اسلام و پوشش هدفمند و معنادار خبری اقدامات آنها از طریق امپراتوری رسانه‌ای خود، چهره‌ای غیرواقعی و دیوگونه از اسلام در انظار و اذهان مردم جهان ایجاد کرده است.

در این پژوهش باور بر این است که بهترین روش جبهه اسلام در مقابله با رقبای تمدنی خود، اندیشیدن در آموزه‌های اسلام و تبیین و معرفی جهانی آنها، منزله راهبردی عملیاتی برای مواجهه با تمدن غرب است. چنین اندیشه‌ای که هم روش مقابله و هم محتوای مقابله را تعیین می‌کند، کلید پیروزی در چنین هم‌آوردی است؛ بر این اساس تصمیم‌سازان جبهه اسلامی در حوزه‌های مرتبط با

نزاع تمدنی، نباید گرفتار از خودبیگانگی شوند و شاخصه‌های اصیل تمدنی خود را فراموش نکنند، در نتیجه از الگوهایی تبعیت می‌کنند که سنخیت چندانی با عناصر تمدنی درخشان اسلامی ندارد. روش نویسندگان در این پژوهش تبیین تاریخی است و با بررسی یک سیر تاریخی از تنازع تمدنی میان غرب و اسلام تا روزگار کنونی و ذکر دو نمونه انقلاب اسلامی ایران و اربعین حسینی این مهم را تشریح کرده‌اند.

۳. تاریخچه روابط میان اسلام و غرب

الف. ظهور اسلام تا آغاز جنگ‌های صلیبی

در این بازه‌ی زمانی که حدود ۵ قرن به طول انجامید، به‌رغم مباحثات دینی جدی میان کلیسای شرقی و مسلمانان که مستلزم شناخت عقاید طرف مقابل به‌منظور نقد و بررسی آنها بود، در غرب مسیحی شناخت معتبری از اسلام وجود نداشت و اروپائیان هیچ‌گونه هم‌زیستی و تعامل دینی و فرهنگی را با مسلمانان تجربه نکرده بودند. همین موضوع سبب می‌شد تا شناخت آنها از اسلام و مسلمانان به عباراتی محدود شود که در کتاب مقدس درباره اعراب مطرح شده است. برای درک بهتر این موضوع اشاره به تفاسیری که مفسران اروپایی در این دوره از کتاب مقدس نوشته‌اند مفید خواهد بود. بررسی این موارد روشن می‌سازد که این مفسران حتی اطلاع نداشته‌اند که پیامبر جدیدی در شبه‌جزیره ظهور کرده است و به سبب تعالیم او احتمالاً اعتقادات اعراب تغییر کرده باشد^۱ (V.Tolan, 2002, P75).

ب. جنگ‌های صلیبی تا دوره رنسانس

به معنای دقیق کلمه شروع مواجهه مستقیم غرب با اسلام زمانی بود که امپراتوری اسلامی به قلب اروپا نفوذ کرد. البته مسلمانان پیشتر اسپانیا و سیسیل و مرزهای جنوبی اروپا را تصرف کرده بودند؛ اما به این سبب که اروپا تمرکز و توانش را در مناطق شمال و شمال شرقی معطوف کرده بود چندان حضور مسلمانان را در همسایگی خود متوجه نشد (Kritzeck, 1964, P16). مسلمانان به این نیز بسنده نکردند، لذا در ۷۱۴م بخش‌های جنوبی فرانسه نیز تحت تسلط آنها قرار

۱. برای اطلاع بیشتر در این زمینه، رک. نصرتیان و پازوکی، ۱۴۰۱

گرفت. در نتیجه این اقدامات نظامی، اروپائیان غربی نسبت به حضور اسلام در همسایگی خود آگاهی یافتند (Godard, 2000, P80). تنها با آغاز جنگ‌های صلیبی در قرن یازدهم، نام پیامبر اسلام، آن‌هم با وضعی بسیار منفی، میان اروپائیان مطرح شد (سی مارتین، ۱۳۷۷، ص ۲۲). بنابراین شناخت غرب و مسیحیت غربی از اسلام، نه در فضای اندیشه‌ای و مباحثه‌ای، بلکه در جریان مجموعه‌ای از درگیری‌ها و جنگ‌ها صورت گرفت. طبیعتاً چنین فضایی بر نتایج شناخت اسلام و روابط مسلمانان و غربیان، حتی تا زمان کنونی تأثیر عمیقی داشته است.

گفت‌وگویی که میان اسلام و اروپائیان مسیحی در این دوره شکل گرفت تحت تأثیر شرایط نظامی، مملو از مجادله و سوء تفاهم بود. از جمله‌ی این موارد می‌توان به مجموعه کلونیاپی^۱ اشاره کرد که در همان سال‌های اول جنگ‌های صلیبی تحت نظر راهب فرانسوی پیتر ارجمند^۲ (۱۰۹۴-۱۱۵۶) شکل گرفت. این مجموعه که از پنج اثر تشکیل شده بود، اولین فعالیتی بود که برای شناساندن اسلام میان اروپائیان و به زبان لاتین صورت می‌گرفت، از این رو بسیار حائز اهمیت بود و هر مطلبی از آن به منزله نوعی کشف محسوب می‌شد. مهم‌ترین آنها ترجمه قرآن برای اولین بار به زبان لاتین است. این ترجمه یک ترجمه صرف نبود، بلکه انواع تهمت و القای شبهه راجع به اسلام در آن آورده شده است؛ باین حال، به منبعی برای تمامی آثاری تبدیل شد که پس از آن درباره اسلام در اروپا نوشته شد (معاورجی، ۱۳۷۱، ص ۳۸).

بامطالعه‌ی این آثار، اروپائیان با این سؤال مهم مواجه می‌شدند که اگر دین مسیحیت و تمدن مبتنی بر آن، حق است پس چرا مسلمانان هستند که پیروز می‌شوند و چرا خدا از دین خود دفاع نمی‌کند. در پاسخ به این پرسش، برخی، این پیروزی‌ها را نتیجه قدرت ایمان مسلمانان می‌دانستند و مسلمانان را به سبب قدرت ایمانشان به خداوند و صفاتی همچون فروتنی و ساده‌زیستی تمجید می‌کردند، تا جایی که مارتین لوتر^۳ (۱۴۸۳-۱۵۴۶)، رهبر نهضت اصلاح دینی در مسیحیت، در یکی از رسائلش می‌نویسد: «من اعتقاد راسخ دارم که اگر پاپ یا نزدیکانش فقط سه روز در اردوگاه عثمانیان زندگی کنند، نمی‌توانند در ایمانشان ثابت قدم بمانند» (Adams, 2007, P2). در حقیقت لوتر می‌خواهد بگوید اگر اسلام را از این منظر که یک دین است با مسیحیت آن دوره

1 . Cluniac scholarship

2 . Peter the Venerable

3 . Martin Luther

مقایسه کنیم، فارغ از مسائل نظامی، باز این کلیساست که شکست می‌خورد؛ با این حال مارتین لوتر در پاسخ به این سؤال می‌گفت این جنگ‌ها نسبتی با دین ندارد بلکه جنگ امپراتورهاست و کلیسا حق ندارد خود را نماینده‌ی دین معرفی کند و تعبیر صلیبی را برای آنها به کار ببرد (Luther, 1528, P8).

برتری اسلام نسبت به غرب در آن دوره فقط در بُعد نظامی نبود؛ بلکه مسلمانان تقریباً در تمامی زمینه‌های علمی در اوج تمدنی خود بودند. شاهد این مطلب نهضت ترجمه‌ای است که همزمان با شروع جنگ‌های صلیبی در شهر تولدوی اسپانیا آغاز شد. طی این نهضت بسیاری از آثار مسلمانان در علوم همچون طب، ریاضیات، نجوم و فلسفه از عربی به زبان لاتین ترجمه شد و تحول عظیمی را در اروپای آن زمان به وجود آورد.^۱ مارشال هاجسون مورخ و اسلام‌شناس برجسته‌ی آمریکایی درباره شرایط اسلام در آن دوره مطرح می‌کند: «در قرن شانزدهم میلادی ناظری [فرضی] که از مریخ نگاه کند ممکن است این تصور برایش پیش بیاید که جهان بشری در آستانه مسلمان شدن است. این قضاوت او را می‌توان تا حدی مبتنی بر برتری راهبردی و سیاسی و نیز بر اساس سرزندگی فرهنگ عمومی مسلمانان دانست.» (Hodgson, 2002, P99).

اینکه شکوفایی تمدنی مسلمانان تا چه زمانی ادامه داشته، محل بحث است. محققان غربی اصرار دارند که افول تمدن اسلامی را در حدود قرون سیزدهم میلادی بدانند اما برخی از همین محققان دیدگاه متفاوتی دارند و معتقدند این نوعی ادراک اشتباه است که تا حدودی به سبب فقدان نگاهی جامع به فرهنگ اسلامی است (Hodgson, 2002, P103).

ج. استمرار تنازع تا دوره جدید

در حدود قرون شانزدهم و هفدهم میلادی در جهان اسلام، همچنان دو قدرت تمدنی یکی امپراتوری عثمانی در ترکیه کنونی و دیگری امپراتوری ایران صفوی وجود داشت. این قدرت‌ها به‌رغم اختلافاتی که داشتند هرگز به اروپایی‌ها که دشمن مشترکشان بودند، اجازه نمی‌دادند تا در

۱. مهم‌ترین پایگاه ترجمه این آثار شهری است به نام تولدو در اسپانیا که پس از اینکه ماهیت مسیحی پیدا می‌کند، کلیسا و سر اسقف این شهر ریموندو از این فرصت استفاده کرد. او در طی یک ربع قرن که در این مسئولیت بود و به مرگش در سال ۱۱۵۱ انجامید، یک مدرسه ترجمه را گرد خود ایجاد کرد و از آنها حمایت کرد، کاری که برای اولین بار در تاریخ اروپا انجام می‌شد (see: Kritzeck, James, *Peter the Venarable and Islam*, Princeton University press, 1964, PP. 66-70).

کشورهای اسلامی نفوذ کنند و در این مناطق سلطه‌ی نظامی یا فرهنگی پیدا کنند. گویی این دو قدرت اسلامی مانند یک سد در برابر گسترش فرهنگ و تمدن غربی به کشورهای اسلامی حضور داشته و تا حضور داشتند اروپایی‌ها توان وارد شدن به جغرافیای فرهنگی و تمدنی اسلام را نداشتند؛ ولی در ادامه پاره‌ای از اتفاقات شرایط را تغییر داد و با ضعیف شدن این قدرت‌ها، موازنه قدرت به سمت اروپا تغییر کرد و کشورهای اسلامی دچار ضعف شدند و همین ضعف، مقدمه‌ی دست درازی گسترده قدرت‌های غربی به سرزمین‌های اسلامی گردید؛ از جمله این اتفاقات می‌توان به شکست عثمانی در لپانتو^۱ در خلیج کرنر در سال ۱۵۷۱ از نیروهای متحد اروپایی اشاره کرد. همزمان با این مسائل، اروپاییان تلاش می‌کردند سهم خود را از تجارت جهانی بیشتر کنند؛ به‌طور نمونه در ۱۵۸۰ شرکت تجاری لوانت^۲، که یک شرکت سهامی عام بود و دو قرن متمادی مصنوعات انگلیسی را به امپراتوری عثمانی صادر می‌کرد، در شهر حلب سوریه دفتر ایجاد کرد (Blanks, 1999, P14) و توسعه این بازارها و منافع، مقدمه‌ای برای ماجراجویی‌های استعماری و بلندپروازی‌های امپریالیستی شد.

در این نقطه، یعنی پایان قرن شانزدهم بود که بنیان دیرپای بومی و تاریخی عظمت و خلاقیت نسخه اسلامی فرهنگ و تمدن فراموش شد؛ گویی دیگر پاسخگوی نیازهای جدید جهانی نبود. آنچه در اروپای مسیحی در قرن هفدهم و هجدهم رخ داد، بدون شک تا حدی ناشی از نقش فزاینده سرمایه‌گذاری صنعتی بود که قبل از این تاریخ در آنجا آغاز شده بود و مستلزم شکوفایی خاص دوره رنسانس و اصلاحات محسوب می‌شد (Hodgson, 2002, P123).

با ضعیف شدن عثمانی در ترکیه و روی کار آمدن قاجاریه در ایران (۱۱۷۵)، تمدن اسلامی به ضعیف‌ترین حالت خود رسید. در این راستا و در ۱۳۰ سال حکومت قاجاریه بر ایران، بازگشت به تمدن اسلامی و عزت مجدد ایران و اسلام در عالم به یک رؤیا تبدیل شد. پس از قاجاریه نیز پهلوی با مداخله انگلیس‌ها در ایران به حکومت رسید که اعتقادی به تمدن و عزت اسلامی نداشت؛ چنانکه دوران شانزده‌ساله حکومت پهلوی اول را می‌توان به‌درستی دوره خصومت شدید علیه فرهنگ و نهادهای اسلامی دانست (مخبر، عباس، ۱۳۷۱، ص ۲۸۷). به‌طور کلی حکومت پهلوی، در ایران نوین مدنظر خود از «ایران باستان» و «غرب مدرن» الهام می‌گرفت.

.....
1 . Lepanto
2 . Levant Company

۴. انقلاب اسلامی و به چالش کشیدن غرب مدرن

انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی (ره) را می‌توان حرکتی بزرگ در جهت تحقق آرزوها و آرمان‌های مردم مسلمانان ایران برای بازگشت به جایگاه مهم تمدنی خود در جهان دانسته و پیروزی اسلام اصیل انقلابی بر حکومت پهلوی که تحت حمایت کامل غرب بود، فصل جدیدی از تقابل تمدنی میان اسلام و غرب را آغاز کرد.

از نظر امام خمینی (ره)، انقلاب اسلامی ایران یک حرکت صرفاً اقتصادی و یا سیاسی به‌منظور آزادی از چنگال استعمار و استکبار غربی نیست، بلکه حرکتی کاملاً تمدنی است. ایشان خطاب به مسئولان جمهوری اسلامی ایران گوشزد می‌کند «مسئولان ما باید بدانند که انقلاب ما محدود به ایران نیست. انقلاب مردم ایران نقطه شروع انقلاب بزرگ جهانی اسلام به پرچمداری حضرت حجت ارواحنا فداه است... دولت جمهوری اسلامی ایران باید تمامی سعی خود را در اداره هرچه بهتر مردم بنماید، ولی این بدان معنا نیست که آنها را از اهداف عظیم انقلاب که ایجاد حکومت جهانی اسلام است منصرف کند... مسئولان اصلی کشور باید به وظیفه اساسی‌شان که نشر اسلام در جهان است برسند...» (صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۳۲۷). ایشان در پی بازسازی مجد و عظمت اسلام و احیای تمدن اسلامی بودند و افق نگاهشان در این زمینه کاملاً جهانی است:

«مسلمین آنها بودند که مجد آنها دنیا را گرفته بود، تمدن آنها فوق تمدن‌ها بود. معنویات آنها بالاترین معنویات بود، رجال آنها برجسته‌ترین رجال بود، توسعه مملکتشان از همه ممالک بیشتر بود. سیطره حکومتشان بر دنیا غالب شده بود. دیدند که با این سیطره با این وحدت دول اسلامی نمی‌شود تحمیل کرد چیزهایی را که آنها می‌خواهند. نمی‌شود ذخایر این‌ها را، طلای سیاه این‌ها را، طلای زرد این‌ها را، نمی‌شود این‌ها را قبضه کرد. درصد چاره برآمدند، چاره این بود که بین ممالک اسلامی تفرقه بیندازند.» (صحیفه امام، ج ۱، صص ۳۷۴ و ۳۷۵)

از این رو است که امام بیش از هرکس دیگری بر وحدت اسلامی تأکید داشت و تنها دوگانه معتبر در فرهنگ اسلامی ایشان اسلام ناب در مقابل اسلام آمریکایی است و همه مسلمانان راه اعم از سنی و شیعه و هر قوم و گروهی، به تلاش برای احیای اسلام ناب محمدی (ص) دعوت

می‌کردند که این نیز به نوبه‌ی خود یک قرائت کاملاً تمدنی از اسلام محسوب می‌شود. امام خمینی تنها راه احیای سربلندی مسلمانان را که با اختلاف‌افکنی دشمنان اسلام از میان رفته است، تلاش جدی و همه‌گیر برای معرفی اسلام ناب محمدی می‌دانست (رشیدی، ۱۳۹۲، ص ۲۴۳). از نظر ایشان این کار سبب خواهد شد همان‌گونه که در صدر اسلام، مسلمانان تمدنی مافوق همه تمدن‌ها بنا کردند، خودباوری و بازگشت به اسلام و مبارزه با غرب و غرب‌زدگی در میان مسلمانان این زمان نیز می‌تواند به زنده کردن آن تمدن بزرگ کمک کند (صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۲۱۱) امام خمینی (ره) تلاش ابرقدرت‌ها برای اسلام‌زدایی در منطقه را به منظور تضعیف این قدرت الهی ارزیابی می‌کردند و همه مسلمانان را از بی‌توجهی در برابر آن بر حذر می‌داشتند (صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۵۱۴) کوتاه‌سخن اینکه امام، هدفشان از انقلاب اسلامی را به مرزهای ایران و حتی جهان اسلام محدود نکردند و از فراز نظرگاهی تمدنی و جهانی به انقلاب می‌نگریستند. به عبارت دیگر انقلاب اسلامی ایران به منزله ابزاری محسوب می‌شد که توسط آن امکان رسیدن به اهدافی جهانی فراهم شود؛ برخی از این اهداف عبارت‌اند از: کوتاه شدن دست ابرقدرت‌ها و جنایتکاران تاریخ از سر مظلومان جهان (صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۴۰۳)، رها شدن بشر از تمام اغلال و بردگی‌ها (صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۳۶۹)، رهایی انسان از شر شیاطین و طاغوت‌ها و رساندن جهان به قسط و عدل و سپردن حکومت به دست اولیاءالله؛ برقراری وحدت میان مسلمانان و بلکه تمامی انسان‌ها (صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۳۹۶) از آنچه تاکنون بیان شد می‌توان به این دریافت رسید که به باور امام خمینی (ره) همان‌طور که تکیه بر اسلام و ایمان دینی، انقلاب اسلامی را در ایران به پیروزی رساند، آنچه سبب محقق شدن اهداف جهانی انقلاب اسلامی می‌شود نیز با همین روش، یعنی گسترش اسلام و ایمان دینی در جهان، قابل‌دستیابی است.

این نگاه جهانی بعد از رحلت امام خمینی (ره) ابتر نماند. رهبری پس از ایشان نیز با بیانی روشن بر آنچه امام رسالت جهانی معرفی می‌کردند و خودشان با تعبیر آرمان‌خواهی از آن یاد می‌کردند تأکید داشتند. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در سخنان خود آرمان اصلی انقلاب را این‌گونه تعریف می‌کنند:

«اهداف و آرمان‌ها مطلقاً نَبایستی از نظر دور بشوند؛ که آرمان نظام جمهوری

اسلامی را می‌شود در یک جمله‌ی کوتاه ایجاد تمدن اسلامی خلاصه کرد... تمان

اسلامی یعنی آن فضایی که انسان در آن فضا از لحاظ معنوی و از لحاظ مادی می‌تواند رشد کند و به غایات مطلوبی که خدای متعال او را برای آن غایات خلق کرده است برسد؛ زندگی خوبی داشته باشد، زندگی عزتمندی داشته باشد، انسان عزیز، انسان دارای قدرت، دارای اراده، دارای ابتکار، دارای سازندگی جهان طبیعت؛ تمدن اسلامی یعنی این؛ هدف نظام جمهوری اسلامی و آرمان نظام جمهوری اسلامی این است.» (دیدار با مجلس خبرگان، ۱۳۹۲/۰۶/۱۴)

ایشان تمدن اسلامی را نقطه‌ی مقابل تمدن کنونی غرب معرفی کرده و بیان می‌فرمایند: «تمدن اسلامی می‌تواند نقطه‌ی رهایی از جهان‌بینی مادی و ظالمانه و اخلاق به لجن کشیده‌ای که ارکان تمدن امروزی غرب‌اند، باشد» (اجلاس جهانی علما و بیداری اسلامی، ۱۳۹۲/۰۲/۰۹) آیت‌الله خامنه‌ای نیز انقلاب اسلامی را صرفاً یک مقدمه برای رسیدن به اهداف بزرگ‌تر معرفی کرده و بیان می‌فرمایند: «[تشکیل جمهور اسلامی و نظام اسلامی] این‌ها مقدمات کار است برای ایجاد آن تمدن اسلامی متناسب با این زمان و با این قرن. اینها مقدماتی است که خدای متعال فراهم کرده است که به آنجا برسیم و ان‌شاءالله خواهیم رسید.» (دیدار با مردم قم، ۱۳۹۷/۱۰/۱۹) البته رسیدن به این جایگاه به‌طور تام و تمام در زمان ظهور امام معصوم و حجت دوازدهم الهی محقق خواهد شد و تمدن نوین اسلامی از نظر ایشان در حقیقت تمدن مبتنی بر ظهور منجی است و چنان‌که ایشان بیان می‌کنند «در دوران ظهور، تمدن حقیقی اسلامی و دنیای حقیقی اسلامی به وجود خواهد آمد.» (دیدار با فضلا و طلاب حوزه علمیه قم، ۱۳۷۹/۰۷/۱۴)

اندکی پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران اتفاق بسیار بزرگی در جهان دوقطبی آن روزگار افتاد و حکومت مارکسیستی شوروی فروپاشی شد و نظامی تک‌قطبی به رهبری ایالات متحده شکل گرفت و آمریکا قدرت بلامنازع در جهان شد. پس‌ازاین اتفاق بود که جهان اسلام و به‌ویژه نظام اسلامی ایران که متشکرکننده‌ی نگاهی جدید به اسلام و مبلغ یک تمدن جدید اسلامی به‌منظور بازگرداندن اسلام به جایگاه والای خود در جهان بود، در نوک پیکان دشمنی غرب به رهبری ایالات متحده قرار گرفت.

آرنولد توین بی مطرح می‌کند تمدن، درواقع چرخه و طیف «معارضه و واکنش» است (نویسنی،

۱۳۸۷، ص ۱۱۸)؛ لذا هم شروع تمدن و هم بقا و دوام تمدن نیازمند نوعی معارضه و رقابت است؛ بر این اساس تمدن غربی که دیگر رقیبی برای خود از منظر تمدنی نمی‌دید، برای ادامه بقای خود باید دشمن جدیدی می‌ساخت تا بتواند در رقابت با آن خود را قدرتمند سازد. جهان اسلام و به‌ویژه جمهوری اسلامی ایران با دیدگاه‌ها و نظراتی که از رهبران‌ش یاد کردیم، گزینه بسیار مناسبی به نظر می‌رسید. مجله آمریکایی «National Review» در نوزدهم دسامبر ۱۹۹۰ در این باره می‌نویسد: «آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها باور دارند که امروز بیش از هر چیزی اسلام آنها را تهدید می‌کند... زمانی این خطر بزرگ برای غربی‌ها فقط از جنبه نظامی مطرح بود؛ اما امروز انقلاب اسلامی به‌عنوان یک حرکت فرهنگی زیربنای فکری و عقیدتی دنیای غرب را تهدید می‌کند.» (اخوت، ۱۳۹۶، ص ۹) بنابراین جهان غرب بر اساس نظریات افرادی همچون ساموئل هانتینگتون، به تقابل با جهان اسلام پرداخت تا هم بقای تمدنی خود را تضمین کند و هم تهدید بالقوه‌اش (یعنی قدرت یافتن مجدد تمدن اسلامی) را از بین ببرد. در این راستا وی جنگ بین دو تمدن را امری الزامی به شمار آورده و معتقد است یک جنگ جهانی با مشارکت کشورهای کانونی تمدن‌های عمده‌ی جهان کاملاً غیرمحمتمل است. اما نمی‌توان آن را غیرممکن دانست. چنین جنگی ممکن است به علت تشدید خطوط گسل میان گروه‌هایی از تمدن‌های مختلف حادث شود؛ جنگی که به احتمال زیاد در یک‌سوی آن مسلمانان و در طرف دیگر غیرمسلمانان حضور خواهند داشت (هانتینگتون، ۱۳۸۰، ص ۵۰۲).

تمدن غربی برای مقابله، دو طرح جدی تمدنی را در پیش گرفت. یکی ناظر به درون جهان اسلام و دیگری ناظر به تمام نقاط جهان. طرح اول ایجاد تفرقه در جهان اسلام بود؛ همان طرحی که طبق نظر امام خمینی سبب شد تا تمدن اسلامی در قرون شانزده و هفده دچار افول شود. طرح دوم نیز که دامنه‌اش از طرح اول گسترده‌تر بود، تولید و انتشار اسلام‌هراسی در عالم بود.

هرچند اسلام‌هراسی پدیده‌ی جدیدی نیست و تاریخی به درازای تاریخ اسلام در غرب دارد؛ ولی وقتی قرار شد اسلام و تمدن اسلامی دشمن باشد، در کنار اقدامات نظامی، اسلام‌هراسی نیز تشدید و به یک صنعت تبدیل شد؛ این نکته‌ای است که ناتان لین در کتاب صنعت اسلام‌هراسی نیز به آن اشاره می‌کند. از نظر او سیاستمداران غربی، به‌ویژه آمریکا، به آنچه او «قدرت ترس»^۱

1 . Power of fear

می‌نامد باور دارند و برای دستیابی اهداف مشخصی آن را دنبال می‌کنند... این سیاست تولید ترس تصادفی نیست بلکه در نتیجه یک رویکرد سازماندهی شده اتفاق افتاده است (Lean, 2012, p13). همین رویکرد سبب شد تا اسلام‌هراسی قبل از یازده سپتامبر با بعدازآن قابل قیاس نباشد و این حادثه به نقطه عطفی در هراس از اسلام تبدیل شود (دهشیری، ۱۳۹۲، ص ۲۵) سخنان رئیس‌جمهور وقت ایالات متحده در تشبیه لشکرکشی کشورش به افغانستان و عراق بعد از واقعه یازده سپتامبر به جنگ‌های صلیبی گواهی بر این مدعا است (Bush, 2001). این تعبیر یک دوره جدید از نفرت را میان جهان غرب و جهان اسلام اعلام می‌کرد؛ البته این بار در شرایطی که موازنه قدرت نظامی و مادی به نفع جهان غرب بود و با فراخواندن غرب مسیحی به انتقام از جهان اسلام تلاش داشت تا اهداف استکباری خود را برای جلوگیری از گسترش اندیشه اسلامی در جهان محقق کند. این نسخه از اسلام‌هراسی طراحی شده بود تا جلوی الهام بخشی انقلاب اسلامی برای مجموعه‌های مستقل بشری در مقابل تهاجم فرهنگی و نظامی غرب را بگیرد و به تعبیر رهبر انقلاب، واکنشی بود در مقابل ضربه سنگینی که تمدن غرب از اسلام و انقلاب اسلامی دریافت کرده بود:

«اسلام‌هراسی در واقع ترجمه‌ی هراس و سراسیمگی قدرت‌ها در مقابل اسلام است؛ واقع قضیه این است. یعنی شما اینجا زحمت کشیدید، ملت ایران تلاش کردند، زحمت کشیدند، مجاهدت کردند، نظام اسلامی را سرکار آوردند و این نظام اسلامی را تثبیت کردند، پایه‌اش را محکم کردند، آن را در مقابل حوادث گوناگون مصونیت و ایمنی دادند و روزه‌روز قوی کردند؛ این، قلدرهای دنیا را می‌ترساند. اسلام‌هراسی‌ای که امروز وجود دارد، در واقع انعکاس و بازتاب دغدغه‌ی آنها است، سراسیمگی آنها است؛ نشان می‌دهد که شما پیش رفتید؛ نشان می‌دهد که اسلام توانسته است حرکت خود را به‌طور موفق‌تاً اینجا پیش ببرد.» (دیدار با شورای خبرگان، ۱۳۹۳/۱۲/۲۱)

خلاصه‌ی کاری که تمدن غربی در ماجرای اسلام‌هراسی انجام می‌دهد این است که در یک سطح، با تولید متون دانشگاهی، آنچه می‌توان با تعبیر امپریالیسم آکادمیک از آن یاد کرد (مارتین، ۱۳۹۶، ص ۳۸) و در سطح دیگر با استفاده از پوشش خبری و جذابیت‌های رسانه‌ای که آن نیز در

ادامه تحقیقات دانشگاهی مملو از سوء تفاهم است (سعید، ۱۳۸۷، ص ۸)، چهره‌ای شیطانی و دیوگونه از اسلام و مسلمانان به جهانیان نشان دهد تا در دل مخاطبانش هراس ایجاد کند و در نتیجه آنها تمایلی به شناختن اسلام ناب و تمدنی، نسخه‌ای که انقلاب اسلامی ایران با الهام گرفتن از اندیشه‌های رهبرانش آن را نمایندگی می‌کند، نداشته باشند.

سخن گفتن از آینده‌ی تمدنی اسلام و غرب، در حقیقت سخن از فرجام چنین نزاعی است. این دو تمدن با این ویژگی‌ها، نقطه مقابل هم هستند و سرانجام یکی از آنها باید از صحنه خارج شود. باور جبهه اسلام بر این است که اگر حجاب اسلام‌هراسی از مقابل دید جهانیان برداشته شود و آنها بتوانند چهره‌ی واقعی اسلام را مشاهده کنند، دیگر اثری از تمدن غرب باقی نخواهد ماند. این هدفی است که باید تمامی نهضت‌های اسلامی از جمله انقلاب اسلامی ایران به منزله‌ی گفتمان اصلی خود در فضای بین‌الملل دنبال کنند.

«اگر این چهره (اسلام) با آن جمال جمیل که قرآن و سنت در همه ابعاد به آن دعوت کرده از زیر نقاب مخالفان اسلام و کج فهمی‌های دوستان خودنمایی نماید، اسلام جهان‌گیر خواهد شد و پرچم پرافتخار آن در همه‌جا به اهتزاز درخواهد آمد. چه مصیبت‌بار و غم‌انگیز است که مسلمانان متاعی دارند که از صدر عالم تا نهایت آن نظیر ندارد، نتوانسته‌اند این گوهر گران‌بها را که هر انسانی به فطرت‌آزاد خود طالب آن است عرضه کنند؛ بلکه خود نیز از آن غافل و به آن جاهل‌اند و گاهی از آن فراری‌اند.» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ص ۵۴۴)

آخرین تلاش جدی و حکیمانه در این راستا نامه‌های رهبر معظم انقلاب اسلامی به جوانان غربی بود که حدود یک دهه قبل نوشته شد. ایشان در این نامه‌ها تلاش دارند تا دل جوان غربی را نسبت به اسلام حقیقی بیدار کنند و درباره تصاویری که رسانه‌های غربی از اسلام نشان می‌دهند تردید ایجاد کرده، آنها را به اندیشه و تأمل در این زمینه دعوت کنند (خامنه‌ای، ۱۳۹۳).

۵. گردهمایی اربعین حسینی

مبتنی بر هدف پژوهش و نشان دادن ظرفیت‌های نهفته اسلام، می‌توان گفت که پدیده‌ی اربعین

حسینی در این سالها موضوعی است که از منظر تمدنی قابل مطالعه است. اربعین به سبب تبدیل شدن به بستری برای ظهور و تجلی تصویری جهانی از اسلام حقیقی، کارکردی شبیه به انقلاب اسلامی ایران پیدا کرده است. در شرایطی که دشمنان جمهوری اسلامی ایران برای مقابله با الگوی دینی آن طراحی کامل خود را در فضای ترکیبی سیاسی، رسانه‌ای و میدانی انجام می‌دادند، باز یک جریان خالص دینی و اسلامی همه نظرها و توجهات را به خود جلب کرد: «بزرگترین گردهمایی صلح‌آمیز جهان در اربعین». این پدیده دارای ویژگی‌هایی است که موجب شده، نقشی مهم و تعیین‌کننده در نزاع تمدنی میان اسلام و غرب ایفا کند. در ادامه به برخی از این موارد اشاره می‌شود:

الف. معنویت‌گرایی در برابر سکولاریسم علمی غرب مدرن

در روزگاری که تمدن غربی با جدا کردن زندگی انسان از معنویت و ارتباط با خدا تلاش دارد تا حیات بشری را در همین زندگی و محاسبات دنیایی خلاصه کند و پیشرفت در این مسیر انسان غربی را با بحران معنویت مواجه کرده است، بحرانی که رنه گنون با تعبیر بحران دنیای متجدد از آن یاد می‌کند و منشأ آن را نیز رنسانس می‌داند، اربعین یک رویداد خارق‌العاده است. گنون درباره جهان پس از رنسانس می‌گوید: از این پس دیگر به‌جز فلسفه و علم «غیر معنوی» چیزی وجود نداشت؛ یعنی نفی معنویت راستین و تحدید معرفت به پست‌ترین امور یعنی بررسی تجربی و تحلیلی واقعیاتی که به هیچ اصل و مبنایی وابسته نیستند و پراکندگی در میان انبوه نامشخص و جزئیات بی‌معنی و مفهوم، انباشتن فرضیات بی‌اساس که پیوسته بنیاد یکدیگر را ویران می‌کنند و نظریات جزئی و پراکنده که نمی‌تواند کسی را بجایی راهبر باشد (گنون، ۱۳۷۲، ص ۱۷). گنون معتقد است اگر بخواهیم اندیشه‌ای که رنسانس را به سمت چنین بحرانی کشید در یک کلمه خلاصه کنیم باید به اندیشه اومانیزم اشاره کنیم؛ اندیشه‌ای که همه‌چیز را محدود به موازین و مقادیر بشری محض ساخته و هر اصل و طریقتی را که خصلت معنوی و متعالی دارد، به‌صورت انتزاعی و مجرد درمی‌آورد. به تعبیر او اومانیزم یعنی روی برتافتن از آسمان به طمع تسلط بر زمین که نتیجه آن نفی روح دینی از جهان معاصر بود (گنون، ۱۳۷۲، ص ۱۸). حال اربعین در میانه قرن بیست و یکم دقیقاً در نقطه مقابل چنین مفاهیمی است. بزرگترین گردهمایی بشری در جهان بر محور مفهومی به نام زیارت یک انسان مقدس و معنوی و نوه پیامبر اسلام که در سال ۶۰

هجری به همراه یارانش در یک نبرد نابرابر برای آرمان‌هایی همچون امر به معروف و نهی از منکر، احیای دین و اصلاح جامعه نبوی، تا پای جان ایستادگی کرد و انسان‌هایی که برای پاسداشت فداکاری او از جان و مالشان برای تکریم زائران این انسان مقدس ایثار می‌کنند. این همان چیزی است که وقتی با این ابعاد گسترده هر سال برگزار می‌شود می‌تواند دنیای غرب را با الگوی جدیدی از زندگی دینی و معنوی آشنا و از این طریق انسان‌های آزاده‌ی ساکن در دل تمدن غرب را متحول سازد. تمدن اسلامی نیز بر مبنای چنین معنایی از هستی شکل خواهد گرفت؛ لذا امپراتوری رسانه‌ای غرب یا این رویداد عظیم را برای مردمش گزارش نمی‌کند و یا روایتی تحریف‌شده از آن را پوشش می‌دهد؛ چراکه با مبانی آن در تقابل است (Rizvi, 2023).

ب. اربعین و وحدت‌گرایی بین‌الادیانی

در روزگاری که تفرقه میان گروه‌های اسلامی بیشترین سود را برای دشمنان اسلام و مسلمانان دارد و آنها با تلاش فراوان برآند تا از طریق تفرقه‌افکنی میان مسلمانان حرکت به سوی تمدن نوین اسلامی را متوقف یا کند کنند، اربعین با معنویت گسترده‌ای که دارد موفق شده است تا میان قلوب و اذهان تقریب ایجاد کند و از این طریق نقشه‌های کهنه استکبار جهانی را نقش بر آب کرده، به نماد برادری میان مسلمانان تبدیل شود. مسلمانان از مناطق مختلف جهان فارغ از هر عقیده و گروهی در این سفر معنوی شرکت و خادمان امام حسین (ع)، برای خدمت‌رسانی از شیعه یا سنی بودن و حتی نوع دین این افراد سؤال نمی‌کنند. هرکسی با هر دین و نحله‌ای برای زیارت امام حسین یا صرفاً نظاره این اجتماع پرشور حضور یابد محترم شمرده می‌شود. این چیزی است که اگر همه مسلمانان آن را حفظ کنند و اجازه ندهند خناسان انس و جن در آن اختلال ایجاد کنند، در فراهم کردن بستر برای بازگشت به اوج تمدنی اسلام و تشکیل تمدن نوین اسلامی بسیار مؤثر خواهد بود. خوشبختانه مراجع و رهبران دینی شیعه نیز بر حفظ این وحدت تأکید داشته و آحاد مردم را به دوری از تفرقه دعوت می‌کنند. به‌طور نمونه آیت‌الله مکارم شیرازی، از مراجع عظام شیعه می‌فرماید:

«نباید فراموش نمود که در راهپیمایی عظیم اربعین حسینی، افراد باید از گفتن مطالب و شعارهایی که موجب اهانت به مذاهب دیگر می‌شود، خودداری کنند. کشور عراق ترکیبی از مردم شیعه و سنی است و مردم اهل سنت هم در زیارت

اربعین شرکت می‌کند، لذا باید بر روی مسئله توهین نکردن به مقدسات مذاهب دیگر در سخنرانی‌ها در زیارت اربعین تأکید شود؛ چراکه موجب پراکندگی امت اسلام می‌شود.» (مکارم شیرازی، ۱۳۹۵)

و یا مقام معظم رهبری به تقویت پیوندهای مذهبی در پیاده‌روی اربعین توصیه می‌کند و چنین می‌فرماید: «از ده‌ها کشور در راهپیمایی اربعین شرکت می‌کنند و میهمان مردم عراق می‌شوند، سعی کنیم در این راهپیمایی پیوندهای مستحکم بین برادران مسلمان را بیشتر کنیم؛ پیوند بین عراقی و غیر عراقی، پیوند بین شیعه و سنی، پیوند بین عرب و فارس و ترک و کرد؛ این پیوندها مایه‌ی سعادت است.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۸، ص ۲۹).

ج. تقابل با اسلام‌هراسی مدرن

ویژگی دیگر اربعین، تقابل آن با صنعت اسلام‌هراسی مدرن است که پیشتر هم به آن اشاره کردیم. گفتیم که در جریان اسلام‌هراسی تمام تلاش دشمن بر این است که چهره‌ای ترسناک و دیوگونه از اسلام به نمایش بگذارد؛ حال آنکه مسلمانانی که تمدن منحنی غربی در تلاش است چنین تصویری از آنها به نمایش بگذارد، بزرگ‌ترین گردهمایی صلح‌آمیز بشری را با حضور گستره‌ای از اقوام، عقاید و ملیت‌های مختلف در کمال آرامش و رواداری برگزار می‌کنند آن‌هم در کشوری که مشغول جنگ با تروریست‌هایی است که برخی رسانه‌های جریان اصلی در غرب تلاش دارند آنها را به‌منزله نماد اسلام معرفی کنند. در حقیقت اربعین با تمایز قائل شدن میان مسلمانان پیرو اربعین و مسلمانان دشمن اربعین، تمایز امام خمینی میان اسلام ناب و اسلام آمریکایی را یادآور می‌شود و این چیزی است که با تهدید داعش در سال ۱۳۹۲ درباره‌ی حمله نظامی به زائران اربعین، بر آن مهر تأیید خورد؛ یعنی در اربعین، اسلام راستین در مقابل قرآنی منحرف و بی‌ارتباط با روح اسلام قرار گرفت.

اگر رسانه‌های رسمی و غیررسمی جمهوری اسلامی و نیز کشورهای حوزه اربعین به این سمت حرکت کنند که حقیقت اربعین و زیبایی‌هایی مثل ایثار، فداکاری و معنویت را به جهانیان نشان دهند، این توفیق را خواهند داشت که نقشه‌های پرهزینه و گسترده دشمنان اسلام را برای هراسناک نشان دادن اسلام، نقش بر آب کنند؛ لذا امت اسلامی باید بر این وظیفه مهم همت

گمارد، چراکه موفقیت در برپایی تمدن نوین اسلامی متوقف بر چنین کاری است.^۱

از دیگر خصایص اسلام‌هراسی مدرن، تمایزی است که در فرهنگ و تمدن غربی میان «ما» و «دیگری» قائل می‌شوند. این تمایز ناشی از آن است که تاریخ تکوین هویت غربی در بسیاری موارد در انعکاس به دشمن خود شکل گرفته است (امینیان، ۱۳۸۷، ص ۱۱۲) لذا در سال‌های اخیر کتاب‌هایی نیز نوشته شده است با عنوان دیگران^۲ (به‌طور نمونه رک. هال، ۱۳۸۶) که از تمایزی آشکار میان دو نوع انسان سخن می‌گویند؛ انسان غربی متمدن، در مقابل «دیگران» که شبه‌انسان‌هایی نامتمدن هستند و امیدوارند از طریق تبعیت از اصول تمدنی غرب، در زمره جامعه بشری قرار گیرند و انسان شمرده می‌شوند (Bazian, 2015). این دیدگاه همان تمایز هستی‌شناسانه میان انسان شرقی و انسان غربی است که ادوارد سعید نیز در کتاب شرق‌شناسی به آن اشاره نموده و به‌شدت آن را مورد انتقاد قرار می‌دهد (سعید، ۱۳۹۴، ص ۱۵).

چنین شناختی از انسان و این تقسیم ناعادلانه از بشریت در اربعین رنگ می‌بازد و همان انسان‌های به‌اصطلاح دیگری، نامتمدن، بدون منطق و دشمن، جلوه‌ای از انسانیت را خلق می‌کنند که شباهتی با آنچه روایت‌های شرق‌شناسانه و استعماری از آنها توصیف می‌کند ندارد. از زیبایی‌های تمدن اسلامی این است که این تقسیم دوگانه میان ما و دیگری را به رسمیت نمی‌شناسد^۳ و این زیبایی در اربعین به بهترین وجه مجسم می‌شود؛ چراکه همه در اربعین شرکت می‌کنند، مسیحی، یهودی، هندو و بودایی. آنها آزادانه از نمادها و نشانه‌های دینی خود نیز استفاده می‌کنند و ترسی از بیان آشکار اعتقاداتشان در آن سرزمین امن ندارند. خادمان اربعینی امام حسین (ع) نیز همه را به یک‌میزان محترم می‌دارند و از نژاد و دین و آیین کسی نمی‌پرسند. این چیزی است که انسان غربی احتمالاً درکی از آن نداشته باشد و جذابیت‌های زیادی برای او ایجاد کند و

.....
۱. «ما بایستی تلاش کنیم، یعنی در نظام جمهوری اسلامی، کار بزرگ و مهم این است که ما همه - هر کسی در هر نقطه‌ای قرار دارد که توانی در این زمینه دارد - باید تلاشمان این باشد که اسلام ناب را مطرح کنیم، اسلام طرفدار مظلوم و ضد ظالم را در دنیا مطرح کنیم.» مقام معظم رهبری، دیدار با مجلس خبرگان،

۱۳۹۳/۱۲/۲۱

2. The Others

۳. چنان که قرآن ملاک برتری را تقوا معرفی می‌کند و نیز در نامه ۵۳ نهج البلاغه امام علی علیه السلام خطاب به مالک اشتر بیان می‌کند: «مردم دو گروه هستند یا در دین با تو برادرند یا در خلقت با تو برابر».

تمدن اسلامی را با این ویژگی‌ها در نظر او پذیرفتنی و خواستنی جلوه دهد.

اربعین اکنون برجسته‌ترین محل ظهور میدانی و گفتمانی تمدن اسلامی است و معرفی جهانی آن از جمله مهم‌ترین کارهایی است که تأثیری بزرگ بر تنازع گفتمانی میان اسلام و غرب خواهد گذاشت و از طریق تصویری که از اسلام در اذهان جهانیان ایجاد خواهد کرد، این معادله را به نفع گفتمان اسلامی تغییر خواهد داد. شاهد این مدعا تحول و حیرت شهروندان غربی در مواجهه با اربعین است که با جستجوی ساده در فضای مجازی قابل مشاهده است. بر این اساس بعید نیست در آینده‌ای نزدیک مفاهیمی شبیه به اربعین‌هراسی در کنار اسلام‌هراسی در ادبیات رسانه‌ای جهانی جعل شود، که هدف از آنها کم‌رنگ کردن و به حاشیه کشاندن این حرکت عظیم باشد. اگر به این موضوع اندیشه شود که اربعین در حقیقت، بخشی از قدرت نهفته در نهضت حسینی است، آنگاه این حقیقت آشکار خواهد شد که اگر زمانی تمامی ظرفیت نهضت حسینی و در ادامه تمامی درونمایه‌های دین اسلام فرصت ظهور پیدا کند، چه تحولات تمدنی را ایجاد خواهد کرد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

در نزاع تمدنی میان تمدن اسلامی و تمدن غربی، نقش اسلام ناب و کارکردهای آن بسیار برجسته و حیاتی است. در واقع از زمان ظهور اسلام و تشکیل تمدن اسلامی تاکنون، دشمنان این تمدن به چیزی کمتر از نابودی کامل اسلام تمدنی راضی نبوده‌اند و این چیزی است که تمدن امروزی غرب نیز مصرانه در پی آن است. در طرف مقابل، رهبران تمدن ایرانی - اسلامی نیز با علم به این موضوع که هرچه دارند از اسلام است؛ تلاش کرده‌اند با جان‌فشانی، این دین الهی را حفظ کنند و همواره در شناختن و شناساندن ظرفیت‌های دینی اسلام به جهانیان توصیه نموده‌اند. از این رو برای چنین رهبرانی، اسلام هم موضوع مبارزه بوده است و هم محتوا و متن و نرم‌افزار مبارزه. این پژوهش، در مطالعه‌ای موردی و با اشاره به دو رویداد انقلاب اسلامی و اربعین حسینی، برای مخاطب این نتیجه را در پی داشته که پدیده‌های اسلامی در روزگار کنونی نیز این قدرت و توانایی را دارند که عامل پیروزی‌بخش جهان اسلام در نزاع تمدنی‌اش با جهان غرب و تمدن غربی باشند. اگر انقلاب اسلامی، ایده‌ی رسالت جهانی برای نشر اسلام و نیز تشکیل تمدن اسلامی را مطرح کرد، گویی کارکرد اربعین این است که این ایده را یک گام به جلو ببرد و موانع

را از سر راه آن بردارد. فرجام این نزاع تمدنی نیز در صورتی که به نفع جریان اسلامی خواهد بود که باورمندان به تمدن اسلامی به اساسی‌ترین اصل تمدنی خود، که همانا ظرفیت فوق‌العاده اسلام است، بها داده و به عرصه‌ی عمل بیاورند. در این میان ظرفیت‌هایی همچون انقلاب اسلامی و پیاده‌روی اربعین، به دلیل کارکردهایی که در بالا به آنها اشاره شد، در سال‌های اخیر از جمله مهم‌ترین تجلی‌گاه‌های آن به حساب می‌آیند.

تشکر و قدردانی:

ابراز نشده است.

تضاد منافع:

نویسندگان تضاد منافی اعلام نکرده‌اند.

منابع

- اخوت، مجله الکترونیکی (۱۳۹۶)، ۵۷ ریشتر، *پس‌لرزه‌های انقلاب اسلامی در آن‌سوی مرزها*، قم، انتشارات شهید کاظمی، به نقل از ماهنامه امید انقلاب، ش ۲۲۲.
- افتخاری، لاله (۱۳۹۸)، «نقش پیاده‌روی اربعین در تحقق تمدن نوین اسلامی؛ با تأکید بر فرمایشات مقام معظم رهبری»، *فصلنامه علمی تخصصی رهیافت فرهنگ دینی*، سال دوم، شماره ۸، صص ۳۱-۵۸.
- امینیان، بهادر (۱۳۸۷)، «اسلام‌ستیزی در غرب: دلایل و ویژگی‌ها»، *فصلنامه سیاست خارجی*، سال ۲۲، شماره ۱، صص ۱۰۵-۱۲۲.
- تاج‌بخش، غلامرضا، عباسپور، ابراهیم (۱۴۰۱)، «بازاندیشی در ایجاد تمدن نوین اسلامی، از طریق فراترکیب پژوهش‌های پیاده‌روی اربعین»، *مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی*، شماره ۲، صص ۱-۳۴.
- توینبی، آرنولد جوزف (۱۳۵۳)، *تاریخ در بوته آزمایش*، ترجمه ابوطالب صارمی، تهران، امیرکبیر.

- توینی، آرنولد جوزف (۱۳۸۷)، *خالصه‌ی دوره‌ی دوازده‌جلدی بررسی تاریخ تمدن*، ترجمه محمدحسین آریا، تهران، امیرکبیر.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۳)، نامه به جوانان اروپا و آمریکای شمالی، به نقل از:
<https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=28731>
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۸)، به رهبری حسین، به کوشش دفتر نشر و حفظ آثار آیت‌الله خامنه‌ای، به نقل از:
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=50911>
- دهشیری، محمدرضا (۱۳۹۲)، *اسلام‌هراسی در غرب*، تهران، انتشارات المهدی.
- رزمجو، جمال و همکاران (۱۳۹۲)، «تحول اصطلاح ساراسن و کاربست آن در میان اروپاییان، تا پایان سده سیزده میلادی»، *مطالعات تاریخ اسلام*، سال پنجم، شماره ۱۸، صص ۴۷-۶۸.
- رشیدی، بهروز (۱۳۹۲)، *امام خمینی و نهضت احیای تمدن اسلامی*، تهران، مؤسسه چاپ و نشر عروج.
- سعید، ادوارد ویلیام (۱۳۸۷)، *برخورد تمدن‌ها (غرب و اسلام)*، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- سعید، ادوارد ویلیام (۱۳۹۴)، *شرق‌شناسی*، ترجمه لطفعلی خونجی، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- عابدینی، محمدرضا و دیگران (۱۴۰۱)، «تحلیل تمدنی جریان اربعین، فرصت‌ها و چالش‌ها»، *فصلنامه تمدن‌پژوهی*، شماره ۴، صص ۱۲۹-۱۵۲.
- گنون، رنه (۱۳۷۲)، *بحران دنیای متجدد*، ترجمه سید ضیاءالدین دهشیری، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- مارتین، ریچارد سی (۱۳۷۷)، «پیشینه مطالعات اسلامی در غرب»، ترجمه حسن اسلامی، آئینه پژوهش، شماره ۵۴، صص ۱۹-۲۵.
- مارتین، ریچارد سی (۱۳۹۶)، *نگرش‌هایی به اسلام در مطالعات ادیان*، ترجمه مهرداد عباسی و همکاران، تهران، حکمت.
- مخبر، عباس (۱۳۷۱)، *سلسله پهلوی و نیروهای مذهبی به روایت تاریخ کمبریج*، ویراستار مرتضی اسلامی، تهران، طرح نو.
- مدنی، محمدهادی (۱۴۰۱)، «هژمونی تمدنی غرب و ظرفیت‌های گفتمان انقلاب اسلامی برای جهان اسلام»، *پژوهش‌نامه علوم انسانی اسلامی*، شماره ۱۸، صص ۲۵-۵۰.

- معایرجی، حسن (۱۳۷۱)، «نخستین ترجمه‌های لاتینی قرآن کریم و تأثیر آن بر ترجمه قرآن به زبان اروپایی»، آئینه پژوهش، شماره ۱۳، صص ۳۱-۳۸.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۹۵)، بیانات در دیدار مسئولین موبک حضرت معصومه (س)، به نقل از: https://www.makarem.ir/news/fa/News/Details/400821#_ftn29
- موسوی الخمینی، روح‌الله (۱۳۷۸)، *صحیفه امام: مجموعه آثار امام خمینی*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- موسوی الخمینی، روح‌الله (۱۳۸۹)، *حکومت اسلامی و ولایت فقیه در اندیشه امام خمینی*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- نریمانی، حسن و دیگران (۱۴۰۰)، «نقد تمدن نوین غرب از منظر گفتمان انقلاب اسلامی با تأکید بر آرای حضرت آیت‌الله خامنه‌ای»، *فصلنامه علمی مطالعات دفاع مقدس*، شماره ۱، صص ۹-۲۸.
- نصرتیان، رئوف، و پازوکی، شهرام (۱۴۰۱)، «سیر تحول نگاه غربی‌ها به اسلام»، *پژوهشنامه ادیان*، شماره ۳۲، صص ۲۵۵-۲۸۱.
- هال، استیون (۱۳۸۶)، *غرب و بقیه: گفتمان قدرت*، مترجم محمود متحد، تهران، آگاه.
- هانتینگتون، ساموئل (۱۳۸۰)، *تمدن‌ها و بازسازی نظام جهانی*، ترجمه مینو احمدسرتیب، تهران، کتابسرا.
- Adam s, Francisco (2007), *Martin Luther and Islam*, Brill.
- Bazian, Hatem (2015), “*The Muslim Question*”, quoted by: <https://www.dailysabah.com/columns/hatem-bazian/2015/04/27/the-muslim-question>
- Bush, George W. (2001), “*Terrorist Attacks in U.S.*”, (Video), quoted by: <https://www.c-span.org/video/?166087-1/terrorist-attacks-us>
- David R. Blanks and Michael Frassetto (1999), *Western view of Islam in middle East and Early Modern Europe*, Palgrave Macmillan.
- Goddard, Hugh (2000), *A History of Christian-Muslim Relationship*, edinburgh university press.
- Hodgson, Marshall G. S. (2002), *Rethinking world history*, New York, Cambridge university press.

- Kritzeck, James (1964), *Peter the Venerable and Islam*, New Jersey, Princeton University Press.
- Lean, Nathan (2012), *The Islamophobia Industry: How the Right Manufactures Fear of Muslims*, New York, pluto press.
- Luther, Martin (1528), *On War Against Turks*.
- Rizvi, Shabbre (2023), "What does Western media's blackout of Arbaeen walk tell us?", quoted by:
<https://www.presstv.ir/Detail/2023/09/08/710484/What-does-Western-media-s-blackout-of-Arbaeen-walk-tell-us>
- V. Tolan, John (2002), *Saracens: Islam in the Medieval European Imagination*, Yew York, Columbia University Press.

References

- Okhovat, electronic magazine (2016), *57 Richter, Aftershocks of the Islamic Revolution on the other side of the borders*, Qom, Shahid Kazemi Publications, quoted from Omid Enghelab Monthly, p. 222. [In Persian].
- Eftekhari, Laleh (2018), "The role of Arbaeen walking in the realization of modern Islamic civilization; With an emphasis on the statements of the Supreme Leader", *the specialized scientific quarterly of the approach to religious culture*, second year, number 8, pp. 31-58. [In Persian].
- Aminian, Bahadur (2007), "Anti-Islamism in the West: Reasons and Features", *Foreign Policy Quarterly*, Year 22, Number 1, pp. 105-122. [In Persian].
- Tajbakhsh, Gholamreza, Abbaspour, Ebrahim (1401), "Rethinking the creation of modern Islamic civilization, through metacombination of Arbaeen walking researches", *two scientific quarterly journals of fundamental studies of modern Islamiccivilization*, No. 2, pp. 1-34. [In Persian].
- Tajbakhsh, Gholamreza, Abbaspour, Ebrahim (1401), "Rethinking the creation of modern Islamic civilization, through metacombination of Arbaeen walking researches", *two scientific quarterly journals of fundamental studies of modern Islamiccivilization*, No. 2, pp. 1-34. [In Persian].
- Toynbee, Arnold Joseph (1353), *Civilization on Trial*, translated by Abutaleb Sarmi, Tehran, Amirkabir. [In Persian].

- Toynbee, Arnold Joseph (1387), *summary of the twelve-volume course on the history of civilization*, translated by Mohammad Hossein Aria, Tehran, Amir Kabir. [In Persian].
- Khamenei, Seyed Ali (2018), *under the leadership of Hossein*, publishing house and preservation of the works of Ayatollah Khamenei, quoted by: https://www.makarem.ir/news/fa/News/Details/400821#_ftn29 [In Persian]
- Khamenei, Seyyed Ali (2013), letter to the youth of Europe and North America, quoted by: <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=28731> [In Persian].
- Dehshiri, Mohammad Reza (2012), *Islamophobia in the West*, Tehran, Al-Mahdi Publications.[In Persian].
- Razmjo, Jamal et al (2012), "The evolution of the term Saracen and its use among Europeans, until the end of the 13th century", *Islamic History Studies*, Year 5, Number 18, pp. 47-68. [In Persian].
- Rashidi, Behrouz (2012), *Imam Khomeini and the Islamic Civilization Revival Movement*, Tehran, Orouj Publishing House.[In Persian].
- Saeed, Edward William (2007), *The Clash of Civilizations (West and Islam)*, translated by Abdur Rahim Govahi, Tehran, Islamic Farhang Publishing House. [In persian].
- Saeed, Edward William (2014), *Orientalism, translated by Lotfali Khunji*, Tehran, Amirkabir Publishing House.[In Persian].
- Abedini, Mohammad Reza and others (1401), "Civilization analysis of Arbaeen, opportunities and challenges", *Civilization Quarterly*, No. 4, pp. 129-152. [In Persian].
- Guenon, Rene (1372), *The Crisis of the Modern World*, translated by Seyyed Ziauddin Dehshiri, Tehran, Amirkabir Publications. [In Persian].
- Martin, Richard C (1377), "The Background of Islamic Studies in the West", translated by Hasan Eslami, *Ayineh Pajuhesh*, No. 54, pp. 19-25. [In Persian].
- Martin, Richard C (2016), *Attitudes towards Islam in Religious Studies*, translated by Mehrdad Abbasi, Tehran, Hikmat. [In persian].
- Mokhber, Abbas (1371), *Pahlavi dynasty and religious forces according to Cambridge history*, edited by Morteza Islami. Tehran, new design. [In Persian].

- Madani, Mohammad Hadi (1401), "Western civilizational hegemony and the capacities of the discourse of the Islamic Revolution for the Islamic world", *Studies of Islamic Humanities*, No. 18, pp. 25-50. [In Persian].
- Maaierji, Hassan (1371), "The first Latin translations of the Holy Qur'an and its impact on the translation of the Qur'an into European languages", *Ayineh Psjuhesh*, No. 13, pp. 31-38. [In Persian].
- Makarem Shirazi, Nasser (2015), statements in the meeting of the officials of the procession of Hazrat Masoumeh (PBUH), quoted by:
https://www.makarem.ir/news/fa/News/Details/400821#_ftn29 [In Persian]
- Mousavi Al-Khomeini, Ruhollah (1378), *Imam Khomeini's Sahiseh: Collection of Imam Khomeini's Works*, Tehran, Imam Khomeini's Works Editing and Publishing Institute.[In Persian].
- Mousavi Al-Khomeini, Ruhollah (1389), *Islamic Government and Guardianship in Imam Khomeini's Thought*, Tehran, Institute for Editing and Publishing Imam Khomeini's Works.[In Persian].
- Nosratian, Rauf, and Pazuki, Shahram (1401), "*The evolution of Westerners' view of Islam*", *Religious studies*, No. 32, pp. 255-281. [In Persian].
- Hall, Steven (1386), *The West and the rest: the discourse of power*, translated by Mahmoud Motahed, Tehran, Agah publication. [In Persian].
- Huntington, Samuel (1380), *Civilizations and Reconstruction of the World System*, translated by Mino Ahmad Sartip, Tehran, Ketabsara. [In Persian].
- Adams, Francisco (2007), *Martin Luther and Islam*, Brill.
- David R. Blanks and Michael Frassetto (1999), *Western view of Islam in middle East and Early Modern Europe*, Palgrave Macmillan.
- Goddard, Hugh (2000), *A History of Christian-Muslim Relationship*, Edinburgh university press.
- Hodgson, Marshall G. S. (2002), *Rethinking world history*, New York, Cambridge university press.
- Kritzeck, James (1964), *Peter the Venerable and Islam*, New Jersey, Princeton University Press.
- Lean, Nathan (2012), *The Islamophobia Industry: How the Right Manufactures Fear of Muslims*, New York, pluto press.
- Luther, Martin (1528), *On War Against Turks*.

- Toynbee, Arnold Joseph (1353), *Civilization on Trial*, translated by Abutaleb Sarmi, Tehran, Amirkabir. [In Persian].
- V. Tolan, John (2002), *Saracens: Islam in the Medieval European Imagination*, New York, Columbia University Press.
- Bush, George W. (2001), “*Terrorist Attacks in U.S.*”, (Video), quoted by: <https://www.c-span.org/video/?166087-1/terrorist-attacks-us>
- Bazian, Hatem (2015), “*The Muslim Question*”, quoted by: <https://www.dailysabah.com/columns/hatem-bazian/2015/04/27/the-muslim-question>
- Rizvi, Shabbre (2023), “*What does Western media's blackout of Arbaeen walk tell us?*”, quoted by: <https://www.presstv.ir/Detail/2023/09/08/710484/What-does-Western-media-s-blackout-of-Arbaeen-walk-tell-us->